

بررسی سیاست و عملکرد دولت روحانی در موضوع هسته ای با تاکید بر بحث برجام

حبیب میرالی^۱ - فرزاد نویدی نیا*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰

چکیده:

موضوع هسته‌ای به فرایند دستیابی ایران به انرژی هسته‌ای اشاره دارد که در پی تلاش آمریکا و متحدانش در طرح اتهاماتی چون تلاش‌های ایران برای دستیابی به سلاح اتمی، از موضوعی فنی به موضوع امنیتی تبدیل شده است. دولت‌های مختلف در ایران در دو دهه اخیر رویکردهای مختلفی را در قبال موضوع هسته‌ای دنبال نموده‌اند که مهم‌ترین آنها را سیاست هسته‌ای دولت‌های یازدهم و دوازدهم در انعقاد توافق هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ جهانی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی سیاست و عملکرد دولت‌های یازدهم و دوازدهم در موضوع هسته‌ای با روش توصیفی - تحلیلی است. سوال اصلی این است که مهم‌ترین انگیزه و راهبرد دولت از انعقاد برجام چیست و عملکرد آن در این زمینه چگونه ارزیابی می‌شود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین انگیزه و رویکرد دولت روحانی از انعقاد برجام، خروج موضوع هسته‌ای از موضوعی امنیتی در سیاست خارجی ایران و از بین بردن فشارهای ساختاری در این زمینه است.

واژگان کلیدی: موضوع هسته‌ای، برجام، دولت روحانی، فشارهای ساختاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JPIR-2107-1930

^۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، واحد اندیشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیشک، ایران

^۲ - استادیار گروه علوم سیاسی، واحد اندیشک، دانشگاه آزاد اسلامی، اندیشک، ایران: نویسنده مسئول

مقدمه

سیاست خارجی ایران در چند دهه گذشته با موضوعات مختلفی مواجه بوده است که موضوع هسته‌ای نیز از آن جمله است. این موضوع به تلاش‌های ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای و تلاش‌های آمریکا و متحدان آن برای نشان دادن این موضوع به عنوان تهدیدی برای صلح جهانی اشاره دارد. موضوع هسته‌ای در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست خارجی ایران را تحت تاثیر قرار داده است. در سطح داخلی هر یک از دولت‌های روی کار آمده در ایران سیاست مختلفی را برای حل و فصل این موضوع در پیش گرفته‌اند. این موضوع در سطح منطقه‌ای تحت تاثیر سیاست هسته‌ای ایران، بر روند موازنه قدرت و دوستی و دشمنی‌های کشورهای منطقه در قبال ایران تاثیرگذار بوده است. در سطح بین‌الملل نیز موضوع هسته‌ای، تقابل و همکاری ایران با قدرت‌های بین‌المللی آمریکا، روسیه، چین، کشورهای اروپایی و فشار-های ساختاری ناشی از وضعیت آنارشیک نظام بین‌الملل را به همراه داشته است.

بیان مساله

موضوع هسته‌ای ایران از آگوست ۲۰۰۲ با علنی شدن توسعه دو سایت جدید هسته‌ای، ابعاد بین‌المللی گرفت و به صورت منازعه‌ای بین ایران و قدرت‌های بزرگ جهانی درآمد. (نوربخش و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۰) این موضوع همچنین در دولت‌های یازدهم و دوازدهم به عنوان مهم‌ترین دستورکار دولت بود. دولت در این دوره با ارزیابی موضوع هسته‌ای به عنوان یک بحران که موجب ایستایی سیاست خارجی در موضوعات منطقه‌ای شد، تلاش نمود تا در قالب کنش‌های مختلف سیاست خارجی از جمله واگذاری پرونده هسته‌ای از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه و نیز سازوکارهای مذاکره، تعامل با کشورهای اصلی و تنش‌زدایی، موضوع را حل کند. تلاش-های دولت در نهایت به توافق هسته‌ای بین ایران، اتحادیه اروپا و گروه ۵+۱ در تیر ۱۳۹۴ منجر شد. این توافق سازوکار خاصی را برای محدود کردن برنامه‌های هسته‌ای ایران از جمله تغییر کاربری نیروگاه آب سنگین اراک، جمع‌آوری اغلب سانتریفیوژها از سایت‌های نطنز و فردو و کاهش غنی‌سازی اورانیوم از سطح ۲۰ درصد به ۳/۵ درصد منجر شد. این توافق همچنین سازوکار مرحله‌ای را برای تعلیق تحریم‌های اروپا، آمریکا و سازمان ملل علیه ایران پیش‌بینی نمود. در همین راستا هدف اصلی این پژوهش بررسی سیاست و عملکرد دولت روحانی در موضوع هسته‌ای با تاکید بر برجام است.

پیشینه پژوهش

در مورد سیاست و عملکرد دولت روحانی در موضوع هسته‌ای تاکنون آثار چندی به رشته تحریر درآمده است. از جمله رسولی ثانی‌آبادی (۱۳۹۹) در پژوهش «تجزیه و تحلیل تغییر در سیاست هسته‌ای دولت یازدهم از منظر فردگرایی تفسیری: ۱۳۹۴-۱۳۹۲» چرایی اتخاذ راه‌حل تعامل

سازنده و مذاکره جدی از سوی نخبگان تصمیم‌گیر را بررسی کرده و دلیل آن را تغییرات ناشی از برداشت متفاوت نخبگان تصمیم‌گیر از نقش ملی و ایجاد روایت جدید در ارتباط با منزلت مطلوب ایران، ادراکات متفاوت از تحریم‌ها و نهایتاً بازنمایی متفاوت از دیگری غرب به خصوص آمریکا می‌داند.

سلطانی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش «مقایسه گفتمان هسته‌ای حسن روحانی و گفتمان انقلاب اسلامی» بر آن است که گفتمان هسته‌ای دولت روحانی تاکتیکی در راستای اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده که برغم برخی شدت و ضعف‌ها در تطابق سیاست‌ها، نمی‌توان آن را در تعارض با گفتمان انقلاب اسلامی دانست.

عابدینی و ایزدی (۱۳۹۶) در پژوهش «نقش متغیرهای داخلی در سیاست‌گذاری مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم» به این نتیجه رسیده است که انتقال پرونده از شورای عالی امنیت ملی به وزارت خارجه و انتخاب محمدجواد ظریف به عنوان وزیر خارجه را به عنوان مهم‌ترین متغیر-های داخلی موثر در سیاست هسته‌ای روحانی معرفی کرده است.

جعفری و جانباز (۱۳۹۵) در پژوهش «تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای» بیان معتقدند چرخه گفتمانی در سیاست خارجی ایران، زمینه‌ساز دیپلماسی‌های متفاوت هسته‌ای در ادوار گوناگون شده است. در عین حال، الگوی یک دیپلماسی موفق، تلفیق منطقی دو گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی در این موضوع است.

مطالعه پژوهش‌های انجام شده نکات مناسبی را روشن می‌سازد. در حالی که وجه تفاوت این پژوهش این است که سعی می‌کند در قالب یک چارچوب نظری در عین پرداختن به چیستی سیاست دولت روحانی در موضوع هسته‌ای، عملکرد آن را نیز مورد مطالعه قرار دهد. بدین منظور این سوال اصلی مطرح شده است که مهم‌ترین انگیزه و راهبرد دولت روحانی از انعقاد برجام چیست و عملکرد آن چگونه ارزیابی می‌شود؟ در این راستا به نظر می‌رسد که دولت روحانی با انعقاد برجام به دنبال کاهش فشار ساختاری علیه منافع ملی و خروج موضوع هسته‌ای از مساله امنیتی در سیاست خارجی ایران بوده است.

چارچوب نظری

در بررسی سیاست دولت در نظام بین‌الملل و در ارتباط با دولت‌های دیگر به عنوان بازیگران اصلی در این حوزه، نظریه‌های مختلفی ارائه شده است. این نظریه‌ها در واقع به عنوان چارچوبی برای تحلیل سیاست کشورها بر اساس مفروضاتی که در درون خود دارند عمل می‌کنند. واقع‌گرایی از مهم‌ترین نظریه‌های جریان اصلی در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی است که قدمتی به درازای تاریخ دارد و به عنوان محور بسیاری از مباحث سیاست بین‌الملل، نظریه‌ای کلی و فراگیر

محسوب می‌شود. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۷۳) هستی‌شناسی واقع‌گرایی جهان را از دریچه قدرت و حفظ و استفاده از آن می‌نگرد. واقع‌گرایان اصل را بر بقا دولت به عنوان پیش‌شرط دستیابی به اهداف قرار داده‌اند. خواه این اهداف در جهت کسب قدرت باشد یا حفظ استقلال. (قوام، ۱۳۸۸: ۳۵۷-۳۵۰)

واقع‌گرایان دارای مفروضات نظری مشترکی هستند که مهم‌ترین آنها شامل مواردی همچون دولت‌محوری، اعتقاد به شرایط آنارشیک و فقدان اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل، توجه به بقا و حفظ موجودیت به عنوان اولویت نخست دولت‌ها، خودیاری در عرصه نظام بین‌المللی و محوریت افزایش و حداکثرسازی قدرت به ویژه با توجه به شرایط آنارشیک نظام بین‌الملل. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۳۱) واقع‌گرایان همچنین ثبات، تعارض و منازعه را اصل اساسی در روابط بین کشورها می‌پندارند. منظور از منازعه، کنش متقابلی است که طرفین بکوشند موقعیت خود را با تنزل دادن موقعیت دیگری تقویت نمایند، مانع از دستیابی سایرین به اهداف‌شان شوند و رقبای خود را از دور خارج نمایند. واقع‌گرایان عمدتاً علل بروز منازعه را در چارچوب مفهوم قدرت و رقابت امنیتی ناشی از آن می‌دانند. آنها به طور کلی امنیت را سرلوحه توجهات خود قرار می‌دهند و بدین منظور نظام موازنه قوا را بکار می‌گیرند. موازنه قوا سیاستی چندبعدی است که دارای ابعاد متعدد امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک است و به عنوان یک پوشش درون سیستمی، تعادل، ثبات و دوام نظام را تضمین می‌کند. (عباسی، ۱۳۹۴: ۸۷) به کارگیری راهبرد موازنه در سیاست خارجی یک دولت حداقل نیازمند برقراری و گسترش رابطه با دو منطقه و دو قطب جدا از هم است که در زمینه‌های مشترکی دارای اختلاف نظر گسترده هستند. (موسوی شفیایی و اسکندری، ۱۳۹۵).

واقع‌گرایی در اواخر دهه ۱۹۷۰ در قالب نظریه نوواقع‌گرایی کنت والتز شکل علمی به خود گرفت. والتز با انتشار کتاب نظریه سیاست بین‌الملل، ساختار را به عنوان مهم‌ترین جزء نظام بین‌الملل معرفی نمود. ساختار به معنی اصل نظم‌دهنده دولت‌ها به عنوان واحدهای موجود در نظام بین‌الملل است. مفهوم ساختار ارتباط بین نظام و واحدهای عضو را برقرار می‌کند و در واقع به معنای متغیر واسطه بین واحدها و نظام است. ساختار نظام بین‌الملل رفتار بازیگران را در اشکالی مانند تشویق برخی رفتارها و سیاست‌های بازیگران و محدودکننده آزادی عمل دولت تحت تاثیر قرار می‌دهد. ساختار در پاره‌ای موارد موجب بروز رفتار خاصی از دولت به عنوان می‌شود و یا رفتار دولت را محدود کرده و موجب تغییر آن می‌شود که از آن به عنوان فشارهای ساختاری یاد می‌شود. نوواقع‌گرایی والتز ساختار را بر حسب قدرت‌های بزرگ تعریف می‌کند و در صدد تولید دانشی از سیاست بین‌الملل است که بتواند قدرت کنترل و مهار پدیده-

های بین الملل را به قدرت های بزرگ دهد. والتز به تک قطبی بودن ساختار نظام بین الملل تاکید دارد و معتقد است که ساختار بر دولت ها به عنوان واحدهای نظام بین الملل تاثیر دارد و رفتار آنها را تعیین می کند. (والتز، ۱۳۹۲)

نواقع گرایان اتفاق نظر دارند که منبع اصلی ارجحیت کشورها مبنی بر تامین امنیت ملی، ساختار آنارشیک نظام بین الملل است که آنان را به کسب قدرت برمی انگیزد. به گونه ای که کشورها عمیقاً به موازنه و قدرت خود در مقایسه با سایر کشورها حساسیت دارند. لذا رقابت شدیدی بین آنها برای کسب قدرت به قیمت از دست دادن آن توسط رقبا یا اطمینان از حفظ قدرت موجود وجود دارد. این رقابت بر سر قدرت ناشی از آن است که ساختار آنارشیک گزینه های بدیل دولت را محدود می سازد. اما نواقع گرایان در مورد میزان قدرت لازم برای تامین امنیت و چگونگی آن اختلاف نظر دارند و به دو دسته تدافعی و تهاجمی تقسیم می شوند. در رویکرد تدافعی گرچه کشورها در پی افزایش قدرت خود هستند ولی مهم ترین هدف آنها جلوگیری از افزایش قدرت دیگران و برهم خوردن موازنه به ضررشان است. لذا به افزایش قدرت از طریق موازنه سازی روی می آورند. در حالی که در رویکرد تهاجمی، دولت ها نه تنها دغدغه موازنه قوا و حفظ قدرت دارند بلکه انگیزه شدیدی برای بیشینه سازی قدرت دارند. چون کشورها از یکدیگر هراس دارند، تنها می توانند برای تامین امنیت به خود اتکا کنند و بهترین راهبرد برای تامین و تضمین بقا بیشینه سازی قدرت تا حد مقتضی است. از این رو کشورها هرگز از قدرت خود راضی نیستند و در نهایت درصدد هژمونی برای تامین و تضمین امنیت هستند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۰) در مجموع نظریه واقع گرایی در سیاست خارجی بر محوریت قدرت در روابط دولت ها و استفاده از ابزارهای قدرت کشور برای ایجاد و تقویت موازنه در مقابل رقبا تاکید دارد.

موضوع هسته ای در سیاست خارجی ایران

فعالیت هسته ای یک دستور کار مهم سیاست خارجی ایران است که سابقه آن به قبل از انقلاب اسلامی بازمی گردد. (جعفری و رحیمی، ۱۳۹۴: ۳۹) این موضوع بعد از انقلاب اسلامی و بالاخص از سال ۱۳۷۶ در صدر موضوعات سیاست خارجی ایران قرار داشت. اصل اساسی سیاست خارجی ایران در این دوره بر تنش زدایی با فاصله گرفتن از اولویت های ایدئولوژیک قرار داشت (جعفری و جانباز، ۱۳۹۵: ۹۱-۹۰) و در این راستا تلاش برای راه اندازی نیروگاه بوشهر، مذاکره با سه کشور اروپایی، ادامه همکاری با روسیه و آغاز فرایند چرخه سوخت هسته ای در دستور کار قرار گرفت. (هرمیداس باوند و میرزایی، ۱۳۹۱: ۱۰۷)

موضوع هسته ای در دولت های نهم و دهم به گونه تهاجمی دنبال شد. این موضوع تحریم های بین المللی از سوی اروپا، آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران را در پی داشت.

واکنش ایران نسبت به این تحریم‌های بین‌المللی و قطعنامه‌های شورای امنیت تهاجمی و غیرمنطقی بود. به طوری که منجر به از بین رفتن شرکای اقتصادی و بازارهای بین‌المللی ایران شد. رویکرد ایران در عرصه نظام بین‌الملل باعث صدور قطعنامه‌های شورای امنیت، کاهش موفقیت در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و عدم توسعه دیپلماسی اقتصادی شد. (ذوالفقاری و زینی‌وند، ۱۳۹۷: ۷۷) در این دوره صنعت هسته‌ای با پیشرفت چشمگیر روبرو شد که مهم‌ترین آنها را تعلیق غنی‌سازی، تکمیل چرخه سوخت هسته‌ای در مقیاس آزمایشگاه و تولید اورانیوم، تولید سوخت ۲۰ درصد، ساخت مجتمع سوخت رآکتور تحقیقاتی تهران، ساخت ماشین‌های سانتریفیوژ و شناسایی ۱۶ محل جدید نیروگاه هسته‌ای تشکیل می‌داد. (ایرنا، ۱۳۹۲/۱/۱۹) در این دوره پرونده هسته‌ای ایران به عنوان تهدید بین‌المللی مطرح شد و در اسفند ۱۳۸۴ در اختیار شورای امنیت قرار گرفت. شورای امنیت طی چهار سال ۲۰۱۰-۲۰۰۶ با صدور شش قطعنامه، ایران را ذیل فصل هفتم منشور ملل متحد قرار داد. این قطعنامه‌ها عبارت بودند از قطعنامه ۱۷۳۷ در ۲۳ دسامبر ۲۰۰۶، قطعنامه ۱۷۴۷ در ۲۴ مارس ۲۰۰۷، قطعنامه ۱۸۰۳ در ۳ مارس ۲۰۰۸، قطعنامه ۱۸۳۵، قطعنامه ۱۸۸۷ در ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۹، قطعنامه ۱۹۲۹ در ۹ ژوئن ۲۰۱۰. (Davenport, 2021)

موضوع هسته‌ای در دولت روحانی؛ سیاست و عملکرد

با مخالفت قدرت‌های بین‌المللی با توسعه هسته‌ای ایران و اعمال تحریم در این زمینه، موضوعات مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی در ارتباط با موضوع هسته‌ای شکل گرفت که آن را به عنوان یک موضوع امنیت بین‌الملل تبدیل کرد. با انتخاب حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور، سیاست هسته‌ای دولت در قالب آنچه رویکرد اعتدالی نامیده شد، تغییر یافت. دولت در این دوره سیاست خارجی تعامل‌گرا و ارتقای روابط خارجی را وعده داد و حل چالش هسته‌ای را به عنوان اولویت اساسی سیاست خارجی مطرح کرد. دولت راه پیشرفت کشور و کسب جایگاه ایران در معادلات بین‌الملل را نه در تقابل که در تعامل سازنده با جهان دانست و گفتمان سیاست خارجی خود را راه میانه بین سازش و ستیزش با غرب معرفی نمود. سیاست ایران در این دوره تلاش برای خروج پرونده ایران از شورای امنیت، تکمیل فناوری هسته‌ای، مذاکرات هدفمند برای رسیدن به تفاهم و مدیریت تحریم‌های بین‌المللی بوده است. (نیاکویی و زمانی، ۱۳۹۵: ۱۸۲)

اصل اساسی سیاست خارجی روحانی در موضوع هسته‌ای، اعتدال‌گرایی نام گرفت. وی در دوره تبلیغات انتخاباتی رویکرد خود در مورد موضوع هسته‌ای را مبتنی بر اعتدال‌گرایی توصیف کرد و در تبیین آن گفت: «ضروری می‌دانم در زمینه سیاست خارجی و مسئله هسته‌ای نکاتی را به عرض ملت ایران برسانم. سیاست دولت در زمینه مسائل خارجی، سیاست اعتدال

است؛ یعنی نه تسلیم نه سازش، نه انفعال، نه تقابل». (روحانی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۲) از نظر رئیس جمهور روحانی، اعتدال در سیاست خارجی به معنای پرهیز از ستیز و سازش است. در واقع دولت اعتدال را ناظر بر ایجاد توازن میان آرمان و واقعیت و جهت دادن به سمت آرمان‌ها معنی نمود. این رویکرد در مقابل رویکرد دوره اصول‌گرایی قرار داشت که مبتنی بر تقابل بازدارنده در موضوع هسته‌ای با آمریکا و اروپا بود. (Belal, 2020)

اصول رویکرد اعتدالی در سیاست هسته‌ای دولت روحانی

- تاکید بر تعامل سازنده با دنیا

رئیس جمهور روحانی و دولت وی در تلاش بوده است تا با برقراری تعادل و توازن بین تقابل بازدارنده و اصل تناسب و تعادل به عنوان رویکرد خود، تعامل سازنده را به عنوان کانون اعتدال - گرایی در سیاست هسته‌ای ایران تبدیل کند. روحانی در توضیح مفهوم تعامل سازنده معتقد است که «هیچ‌گاه پیروزی در سایه انزوا به دست نمی‌آید. در سایه تعامل به دست می‌آید؛ البته که تعامل باید سازنده باشد، مؤثر باشد، توأم باشد با دیپلماسی و نرمش قهرمانانه، البته که باید تعامل در کنار حاکمیت ملی باشد، استقلال باشد، اجرای خواست مردم باشد». (روحانی، همان) تعامل سازنده، آموزه اصلی سیاست خارجی دولت روحانی است و تعامل از جایگاه برابر، منافع متقابل، کاستن از خصومت، تنش‌زدایی متقابل در صدر اهداف سیاست خارجی ایران قرار گرفته است. از این نظر، دوره انزوا در روابط بین‌الملل سپری شده و عدم نقش‌آفرینی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی ضعف و کاستی به حساب می‌آید. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۸۳) رئیس جمهور محور سیاست خارجی دولت خود را تعامل سازنده با جهان معرفی نمود و از آن به عنوان کلید حل مشکلات کشور یاد کرد. مهم‌ترین اصول تعامل سازنده را دوری از تنش، عقلانیت و تدبیر در عرصه سیاست خارجی، اعتمادسازی، بهبود تصویر و پرستیژ ایران در عرصه جهانی، دیپلماسی فعال و پویا، تلاش برای متوازن نمودن و بهبود روابط با کشورهای جهان، به خصوص با کشورهای همسایه و در صورت وجود شرایط منطقه‌ای مذاکره دوجانبه و از موضع احترام متقابل با آمریکا شامل می‌شد. هدف نهایی این اصول نیز فراهم نمودن فضا برای رشد و توسعه اقتصادی کشور در چارچوب اسناد بالادستی به ویژه چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ ارزیابی شد. (رضایی و ترابی، ۱۳۹۲)

- خردگرایی و عقلانیت

در دیدگاه اعتدال تعامل سازنده با جهان بر سر موضوع هسته‌ای نیازمند خردگرایی و محاسبه هزینه - فایده و عمل بر اساس بازی برد- برد در موضوع هسته‌ای است.

- تنش‌زدایی با قدرت‌های بزرگ

حل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای در این دوره در گرو تنش‌زدایی با قدرت‌های بزرگ از جمله

آمریکا است. تنش‌زدایی با آمریکا بر سر موضوع هسته‌ای در گفتمان اعتدال محوری است و این مسئله را در این تعبیر روحانی می‌توان دید که می‌گوید: «آمریکایی‌ها کدخدای ده هستند، با کدخدا بستن راحت‌تر است».

- ضرورت ایجاد تعامل میان سیاست‌های اقتصادی و دیپلماسی هسته‌ای

از نگاه رئیس‌جمهور روحانی موضوع هسته‌ای یک موضوع در کنار منافع دیگر کشور است؛ نه موضوعی بر فراز منافع و موضوعات دیگر؛ به عبارت دیگر، مسئله هسته‌ای در تعامل و کنار سایر منافع ملی ایران از جمله منافع اقتصادی و ضرورت‌های داخلی و خارجی باید لحاظ شود.

- نفی افراط‌گری

در رویکرد اعتدال، افراط‌گری در موضوع هسته‌ای راه تدبیر و تعامل سازنده با جهان را مسدود می‌کند. پس این رویکرد خود را نافی افراط و تفریط در موضوع هسته‌ای می‌داند.

- تاکید بر ظالمانه بودن تحریم و ضرورت رفع آن

از نظر روحانی، «... نتیجه تحریم‌ها، به‌رغم هرگونه لفاظی و بازی با واژه‌ها، همان آتش‌افروزی و جنگ‌طلبی و نابودی انسان‌هاست. این آتش فقط دامن قربانیان تحریم را نمی‌گیرد، بلکه به اقتصاد و زندگی مردم جوامع تحریم کننده نیز لطمه وارد می‌کند». (روحانی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹) لذا دولت با برجسته کردن نقش تحریم در مشکلات اقتصادی و پیرنگ کردن تلاش خود برای رفع تحریم و کاهش فشار اقتصادی بر مردم تلاش نمود تا مشروعیت رویکرد خود در موضوع هسته‌ای را افزایش دهد.

- اتکا بر حمایت رهبری

از نظر رئیس‌جمهور روحانی «دیپلماسی دولت متکی به خواست مردم و متکی به تدبیر و رهنمودهای مقام معظم رهبری است، از ابتدای امر راهنمایی‌های و رهنمودهای ایشان، مسیر را مشخص کرده در ادامه راه هم همواره از این استفاده خواهیم کرد». (روحانی، ۱۳۹۲/۹/۱۲)

- رعایت خطوط قرمز هسته‌ای

رئیس‌جمهور روحانی در این باره می‌گوید: «با صراحت اعلام می‌کنم که حرکت ملت ایران به سمت قله پیشرفت دانش و فناوری و از جمله فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای دائمی خواهد بود». (روحانی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۲)

- نخبه‌گرایی

روحانی در مورد ضرورت همراهی نخبگان با سیاست هسته‌ای دولت می‌گوید: «چرا دانشگاه خاموش است؟ چرا استادان خاموشند؟ ما شهامت سقراط‌وار را می‌خواهیم. از چه می‌ترسید؟ چرا یک کار بزرگ بین‌المللی انجام می‌شود. استادان دانشگاه خصوصی برای رئیس‌جمهوری

نامه می‌نویسند. چرا نمی‌آیند حرف بزنند و صحبت کنند؟ لاقلاً این توافق ژنو اولین گشایش برای دانشگاه و برای پول دانشجویها بود. فقط یک عده معدود که از جای معدود تغذیه می‌شوند، آنها باید حرف بزنند؟». (روحانی، ۱۳۹۲/۱۱/۱۵)

در عین حال به نظر می‌رسد در کنار متغیرهای داخلی، مهم‌ترین عاملی که دولت روحانی را به سمت اتخاذ سیاست اعتدالی در رابطه با پرونده هسته‌ای سوق داد، شرایط ساختاری نظام بین‌الملل و تحریم‌های بین‌المللی بود. (Toivanen, 2016:2) بررسی تاثیر نظام بین‌الملل بر شکل‌گیری سیاست خارجی دولت یازدهم حاکی از آن است که مجموعه غرب در سال‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد با بهره‌گیری از انواع فشارها و تحریم فراگیر تلاش کردند تا ایران را در وضعیت تدافعی قرار دهند تا سیاست خارجی به مهم‌ترین دستور کار انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۲ تبدیل شود. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را نیز باید از ابزارهای دیپلماسی اجبار آمریکا برای متقاعدسازی کشورهایی دانست که به اقتصاد جهانی وابسته شده‌اند؛ اما تمایلی به پذیرش قواعد مربوط به اقتصاد و سیاست جهانی ندارند.

ایران کشوری است که در دوران پس از جنگ سرد همواره از سوی قدرت‌های غربی مورد تهدید به استفاده از زور قرار گرفت اما در عمل قدرت ساختاری غرب مهم‌ترین ابزار به کار گرفته شده علیه این کشور بوده است. غرب تمام تلاش خود را بکار گرفت تا ارتباط ایران با سایر دولت‌ها و شرکت‌های ایرانی را با هم‌تایان خود در کشورهای بیشتری دچار اختلال سازد. این بخش از تحریم برای محدود کردن قابلیت راهبردی ایران انجام گرفته است که شامل توقیف اموال و دارایی‌های افراد و سازمان‌های ایرانی در خارج از کشور، تحریم‌های تجاری، صادرات و واردات و سرمایه‌گذاری، مواد مربوط به انرژی هسته‌ای، تحریم‌های مالی و تحریم‌های بین‌المللی می‌شود. (نیاکویی و زمانی، ۱۳۹۵)

علاوه بر آمریکا، اتحادیه اروپا نیز تحریم‌های سختی را علیه ایران وضع کرد. در جولای ۲۰۱۰ تحریم تجارت تقریباً تمام کالاهای با قابلیت مصرف دوگانه، تجهیزات نظامی و اقلام مرتبط با انرژی هسته‌ای، ممنوعیت صادرات تجهیزات و تکنولوژی برای نفت و گاز، ممنوعیت کمک فنی مهندسی، آموزش و تامین مالی انرژی ایران از سوی اروپا انجام شد. اروپا در آوریل ۲۰۱۱ دارای‌های ایران را مسدود کرد و در ژانویه ۲۰۱۲ واردات، خرید یا انتقال کلیه محصولات نفتی و پتروشیمی ایران را ممنوع کرد. اروپا در اکتبر همان سال دامنه تجهیزات ممنوعه در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی برای فروش به ایران را گسترش داد و وزرای نفت و نیرو، بانک مرکزی و چندین شرکت نفت و پتروشیمی ایران را تحریم کرد. (منظور و مصطفی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۱) واردات نفت اروپا از ایران در جولای ۲۰۱۲، ۱/۲۵ میلیون بشکه نسبت به ۲۰۱۱ و در مه

۲۰۱۳ هفتصد هزار بشکه دیگر کاهش یافت. شورای امنیت نیز از سال ۲۰۰۶ وضع تحریم علیه ایران را آغاز کرد و در دسامبر همان سال صادرات تمام تکنولوژی و تجهیزات انرژی هسته‌ای به ایران و مسافرت مسئولین سازمان‌های ایرانی به کشورهای خارجی نیز ممنوع اعلام شد. (نیاکوبی و زمانی، ۱۳۹۵)

بر این اساس، در مجموع می‌توان گفت که دولت روحانی سیاست خود در موضوع هسته‌ای را مبتنی بر تعدیل و کاهش هزینه‌های ناشی از آن معرفی نمود. روحانی راه پیشرفت کشور و کسب جایگاه و منزلت ایران در معادلات بین‌المللی را نه در تقابل که در تعامل سازنده با جهان جستجو می‌نمود. روحانی برخلاف اصولگرایان که موضوع هسته‌ای را به موضوعی محوری و هویتی بدل نموده بودند، در پی به حاشیه راندن این موضوع و حل‌وفصل منصفانه و مسالمت‌آمیز آن با غرب بود. روحانی بر پایه رویکرد اعتدال، گفتمان سیاست خارجی خود را آرمان‌گرایی توأم با واقع‌گرایی معرفی نمود که راهی میانه و بین سازش و ستیزش با غرب به رهبری آمریکا بر سر موضوعاتی چون موضوع هسته‌ای است.

- دستیابی به توافق هسته‌ای

دولت روحانی در ابتدا اعلام کرد که قصد دارد پرونده هسته‌ای ایران را از موضوع امنیت به موضوع سیاست خارجی تبدیل کند. لذا دولت پرونده هسته‌ای را از شورایعالی امنیت ملی خارج و به وزارت امور خارجه سپرد. جواد ظریف وزیر خارجه ایران و مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۳ و در حاشیه شصت و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل با یکدیگر دیدار کردند که برآیند آن توافق برای برگزاری اولین نشست بررسی راهکار دیپلماتیک حل موضوع هسته‌ای در ژنو بود. برگزاری چندین دور مذاکره نهایتاً در فروردین ۱۳۹۴ به صدور بیانیه لوزان سوئیس منجر شد که درباره راه‌حل نیل به برنامه جامع اقدام مشترک از سوی مذاکره‌کنندگان ایران و ۵+۱ اعلام شد. (Robins and Cook, 2015)

نهایتاً در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ برنامه جامع اقدام مشترک بین ایران و ۵+۱ بدست آمد که مشتمل بر یک متن اصلی و ۵ پیوست فنی در موضوعات هسته‌ای، تحریم، همکاری هسته‌ای صلح‌آمیز، تأسیس کمیسیون مشترک و برنامه اجرایی بود. (وزارت امور خارجه، ۱۳۹۴) بر این اساس توافق هسته‌ای را می‌توان محصول در دستور کار قرار دادن نوعی رویکرد مشترک مبتنی بر تعامل بر سر موضوعی خاص ارزیابی نمود که از سوی ایران و قدرت‌های بین‌المللی پیگیری شد. این توافق با وجود محدودیت‌های مختلف در اجرا، سازوکاری را برای برنامه هسته‌ای ایران، نگرانی‌های غرب و تحریم‌های هسته‌ای بین‌المللی علیه ایران در اختیار قرار داد که مورد توافق دو طرف قرار داشت. (Haltiwanger, 2021)

- تاثیرات توافق هسته‌ای در وجوه مختلف

با بررسی سیاست دولت روحانی در ارتباط با موضوع هسته‌ای و برجام، می‌توان به تاثیرات انعقاد توافق و بررسی عملکرد دولت پرداخت. توافق هسته‌ای در حوزه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با پیامدهایی همراه بوده است. در سطح داخلی این توافق در وهله نخست بهبود روابط دولت-ملت را در پی داشت. برجام از گمان طیف طرفدار دولت الگویی کارآمد برای تنظیم ترتیبات و صف‌آرایی‌های سیاسی داخل ایران ایجاد کرد. چرا که تعامل با جامعه جهانی به ویژه دولت‌های ناهمسو به عنوان یک نتیجه بالقوه برجام این قابلیت را دارد که جامعه و حکومت را که به سردی گراییده را بهبود بخشیده و به ایجاد سیاستی میانه‌روتر و شمول‌گراتر در داخل که قابلیت جذب بیشتر و پتانسیل برون‌رانی کمتر داشته باشد، منجر شود.

دولت همچنین برجام را موجب ارتقاء کیفیت حکمرانی در کشور دانست و اعلام کرد که برجام از این ظرفیت برخوردار است که با ایجاد فرصت‌های اقتصادی از ناحیه جامعه بین‌المللی، با بهبود شرایط طبقات متوسط و تحصیلکرده در داخل، آنان را از منازعه فرساینده برای بقای صرف که نتیجه دوران تحریم‌ها بوده، نجات دهد و با توانمندسازی نیروهای جامعه مدنی، قدرت چانه‌زنی آنان را در جامعه و در قبال دولت بیشینه سازد. به عبارت دیگر، برجام می‌تواند نوید-بخش ارتقاء کیفیت حکمرانی و بهبود استانداردهای حکمرانی خوب در ایران باشد. دولت همچنین توافق هسته‌ای را افزایش دهنده امیدواری و ارتقاء اعتماد سیاسی نهادین و نشاط اجتماعی برآمده از آن دانست که از شدت یابی بحران‌های اقتصادی می‌کاهد و سرمایه اجتماعی را در کوتاه‌مدت افزایش دهد. برجام همچنین شرایط کمک به فرایند امنیتی‌زدایی از سپهر عمومی جامعه را فراهم کرد. از این نظر، برجام کاهش تهدیدات خارجی برای بقای نظام سیاسی و تضعیف احساس تهدید، حکومت را به سمت تساهل و تسامح سیاسی بیشتر در داخل و امنیتی‌زدایی از عرصه سیاسی و اجتماعی سوق می‌دهد و بدین ترتیب، شرایط را برای تحکیم و نهادینه‌سازی مردم‌سالاری واقعی فراهم می‌آورد. (کریمی‌مله، ۱۳۹۵: ۲۱۸-۲۱۶)

تاثیرات دیگر برجام در حوزه اقتصادی است. مقایسه شرایط قبل و بعد از اجرای برجام نشان دهنده بهبود نسبی شاخص‌های پولی و مالی است. اجرای برجام و گشایش‌های ایجاد شده در حوزه‌های نفتی، بانکی و بیمه‌ای و سایر حوزه‌ها باعث شد دولت عملکرد قابل قبولی در کنترل نقدینگی و تورم داشته باشد. کاهش نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات، افزایش تسهیلات پرداخت از سوی بانک‌ها، کاهش هزینه مبادلات بین‌المللی، امکان همکاری با شرکت‌ها و بنگاه‌های معتبر بین‌المللی، افزایش امنیت و بهبود شرایط کلی اقتصاد و افزایش رشد اقتصادی. (طاهرپور، ۱۳۹۵: ۱۰۸-۱۰۶)

توافق هسته‌ای در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز پیامدهایی برای ایران داشته است. در سطح منطقه‌ای مهم‌ترین پیامدهای برجام را افزایش مشارکت ایران در نظم ژئوپلیتیک منطقه، تغییر منطق موازنه به نفع ایران، غیرامنیتی شدن فضا، انزوای روز افزون اسرائیل، تقویت ثبات و نظم منطقه‌ای، کاهش وزن استراتژیک گروه‌های تروریستی، تضعیف ایران هراسی و شیعه هراسی، تغییر شکاف‌ها بین بازیگران منطقه به نفع ایران و تقویت محور مقاومت از طریق خرسندی همپیمانان منطقه‌ای ایران در لبنان، سوریه، عراق، یمن و طرفداران جمهوری اسلامی در دیگر کشورهای منطقه تشکیل می‌دهد. (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۱-۱۳۷).

تاثیرات منطقه‌ای برجام در سیاست خارجی ایران در سطح منطقه از سوی بسیاری از تحلیلگران آمریکا نیز آورده شده است. از جمله شورای سیاست خارجی آمریکا در اکتبر ۲۰۱۵ در گزارشی به قلم ایلان برنان و برخی دیگر معتقد است که برجام نه تنها به هدف مدنظر دست پیدا نمی‌کند، بلکه سبب توسعه توانایی ایران برای پیگیری اهداف ژئوپلیتیک خود در منطقه خاورمیانه بزرگ می‌شود و در نتیجه منافع راهبردی بلندمدت آمریکا در منطقه به خطر می‌افتد. این گزارش همچنین مسائلی در زمینه راستی‌آزمایی و پایش هسته‌ای ایران را از جمله اشکالات اساسی برجام برمی‌شمرد. (Berman and et al, 2015)

در سطح بین‌المللی نیز برجام با پیامدهایی از قبیل افزایش منزلت بین‌المللی ایران پس از برجام، تقویت چندجانبه‌گرایی، تقویت نظام عدم اشاعه هسته‌ای، جایگزینی دیپلماسی به جای تهدید نظامی، ترور و خرابکاری، اثبات حقانیت و مشروعیت بین‌المللی برنامه هسته‌ای ایران، کاهش فشارها و تحریم‌های بین‌المللی و افزایش توان ایران، افزایش نقش و توان بین‌المللی ایران، تقویت محور مبارزه با تروریسم بین‌المللی، تضعیف پروژه ایران هراسی بین‌المللی، تغییر وضعیت شکاف‌ها بین بازیگران بین‌المللی به نفع ایران و دستیابی ایران به ذخایر بین‌المللی همراه بوده است. (خلیلی، ۱۳۹۵: ۱۴۴-۱۳۷)

کاستی‌های توافق هسته‌ای

با گذشت چند سال از اعمال سیاست هسته‌ای دولت در دوره ریاست جمهوری روحانی با وجود دستیابی به توافقی هسته‌ای برجام و نیز پیامدهای آن در ابعاد داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با روشن شدن بخش‌های بیشتری از آن، کاستی‌های قابل توجهی نیز از آن آشکار شده است که برخی از آنها در ابعاد مختلف در زیر اشاره شده است.

-کاستی‌های متنی

- استثنای شدن ایران از معاهده NPT برای ۱۵ سال
- تعهد دولت به اجرای پروتکل از روز اجرای برجام برخلاف مصوبه مجلس

- مکانیسم‌های دآوری مندرج در قطعنامه ۲۲۳۱ و بندهای ۳۶ و ۳۷ برجام ضد ایران به نظر می‌رسیده است
- مطابق با بند ۱۲ قطعنامه ۲۲۳۱، قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت تعلیق یا لغو مشروط می‌شوند، نه لغو.
- توافق هسته‌ای دارای ضمانت اجرایی حقوقی و قانونی به جز قطعنامه غیرالزام‌آور ۲۲۳۱ شورای امنیت نیست و هر یک از اطراف توافق در هر زمان که اراده کند می‌تواند اجرای آن را متوقف ساخته و تحریم‌ها علیه ایران را بازگرد.
- عدم وجود مرجعی برای راستی‌آزمایی انجام تعهدات طرف‌های مذاکره ایران در مقابل وجود آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان مرجع راستی‌آزمایی اقدامات ایران.
- این موضوع که ایران درطول اجرای توافق صرفاً اجازه داشت از ۱۰ تن ذخایر موجود حداکثر ۳۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده را حفظ کند، شتاب برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کرد.
- امکان دسترسی به تاسیسات نظامی ایران
- بر اساس متن برجام دسترسی به تاسیسات نظامی ایران ممکن شد و رژیم فراتر از پروتکل الحاقی برای دسترسی به تاسیسات ایران پیش‌بینی می‌شود. به نظر می‌رسد اجرای این رژیم بازرسی می‌تواند به جمع‌آوری بی‌سابقه اطلاعات از ایران منجر شده و زیرساخت‌ها، اطلاعات و سرمایه‌های انسانی، علمی، نظامی و امنیتی ایران را در معرض مخاطره قرار داده است. (خبرگزاری مشرق، ۱۳/۷/۱۳۹۴)
- برجام باعث کاهش یا لغو تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی علیه ایران که در قطعنامه‌های شورای امنیت لحاظ شده بود، نشد.
- توافق هسته‌ای موجب کاهش یا حذف مانع‌تراشی علیه فروش نفت ایران نشد. بلکه از همان ابتدا مشخص شد که موسسات مالی خارجی به شرطی از شمول تحریم مالی ثانویه آمریکا خارج می‌شوند که میزان خرید نفت خام از ایران به صورت پیوسته در حال کاهش باشد.
- این به معنای مانع‌تراشی برای انتقال وجوه فروش نفت ایران بود.
- با وجود توافق هسته‌ای و پایبندی ایران به آن، لغو تحریم به معنای برچیده شدن زیر-ساخت قانونی تحریم در برجام وجود نداشته و جز در موارد کم‌اهمیت، تمام تحریم‌ها تعلیق یا متوقف شده و زیرساخت قانونی آنها حفظ می‌شود.
- اصل تناظر در انجام تعهدات دو طرف کامل رعایت نشد و اقدام ۵+۱ در تعلیق تحریم به انجام تعهدات ایران و راستی‌آزمایی آژانس انرژی اتمی موکول شد. امری که دارای ریسک بالا بوده است. چه اینکه اگر آژانس انجام تعهدات ایران را تایید نکند، طرف مقابل مکلف به برداشتن

تحریم‌ها نخواهد بود. در گام بعدی نیز هرگاه آژانس گزارشی درباره عدم انجام ایران به تعهدات خود یا عدم صدور مجوز بازرسی از مکان‌های مورد نظر آژانس منتشر کند، باعث بازگشت تحریم‌ها خواهد شد.

- منطبق با برجام، در برابر اقدامات اساسی ایران تحریم‌های کنگره آمریکا و اتحادیه اروپا لغو نشده و صرفاً به حالت تعلیق در می‌آیند.

- در نهایت باید گفت که برجام، ایران را در حوزه مبانی و سازوکار نظارت و بازرسی هسته‌ای و پروتکل الحاقی و سازوکار حل اختلافات از سایر کشورها استثناء کرده است. (خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۴/۷/۱۳)

- تعلیق حداقل ۱۰ ساله برای برنامه هسته‌ای ایران طبق برجام باعث شد تا برنامه هسته‌ای ایران طی این سال‌ها از دورنمایی روشن بهره‌مند نباشد. از نگاه دولت آمریکا تعیین این بازه زمانی نوعی پیروزی بزرگ محسوب می‌شود. در این زمینه هارولد براون وزیر دفاع آمریکا در دوره کارتر معتقد است که ایران قبل از توافق دو سال با سلاح هسته‌ای فاصله داشت و برای جلوگیری از این امر آمریکا موضوع نیاز به چارچوبی برای توافق با ایران داشت. توان بالقوه داشتن سلاح توسط ایران تلاش برای منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را تضعیف می‌نمود و انگیزه سایر کشورهای قدرتمند خاورمیانه برای دستیابی به همان فناوری را بالا می‌برد. در ژوئیه ۲۰۱۵ ایران تقریباً بیست هزار سانتریفیوژ داشت، اما طبق برجام ایران برای ۱۰ سال محدود به نصب بیش از ۵/۶۰ از قدیمی‌ترین و کم‌کارآمدترین سانتریفیوژ در نطنز شد. (Keval, 2018)

- کاستی‌های فرامتنی

۱- شکست سیاست اعتماد به آمریکا

به نظر می‌رسد که دولت و دستگاه سیاست خارجی در اجرای برجام رویکرد دفعی را در مقابل رویکرد مرحله‌ای طرف مقابل به کار برده است. این موضوع از اجراسازی تعهدات ایران در یک بازه زمانی معین و در مقابل اجرای مرحله‌ای و توأم با شروط مختلف از سوی اروپا و آمریکا مشخص است. از این گذشته دولت آمریکا با عدم تصویب توافق هسته‌ای در کنگره توانست در دوره ترامپ از آن خارج شود به گونه‌ای که مقامات دولت آمریکا در دوره ترامپ از جمله خود وی هدف از توافق را نه دستیابی به توافق برد- برد بلکه از کار انداختن توان هسته‌ای ایران ارزیابی نمودند.

برای مثال ریچارد گلدبرگ عضو شورای امنیت ملی آمریکا و رئیس میز مقابله با توسعه تسلیحات کشتار جمعی توسط ایران معتقد است: «این که ایران آمال هسته‌ای خود را کنار بگذارد

^۱-Harold Brown

مبنای اصلی برجام بوده است. ترور محسن فخری زاده به ما یادآوری کرد که معمار اصلی برنامه ساخت سلاح اتمی در ایران همچنان در حال پیشبرد و اداره یک سازمان نظامی مخفی به نام «سازمان پژوهش‌های نوین دفاعی» بوده و دانشمندانی را که در پروژه «آباد» نقش داشتند به کار گرفته در نتیجه این تصویری است که بسیار آزاردهنده است، تحولاتی تازه که از سال ۲۰۱۵ شاهد آن بوده‌ایم و باید وضعیتش روشن و راستی آزمایی کامل انجام شود. (گلدبرگ، ۱۳۹۹)

۲- قطبی سازی محیط سیاست داخلی

توافق هسته‌ای به مثابه نقطه عطف رقابت سیاسی، رابطه بین مخالفان و میانه‌روها را به شدت قطبی کرد. از طرفی مدافعان برجام آن را نوشداروی شفابخش برای درمان دردهای مزمن جامعه دانستند که بازشدن فضای سیاسی را موجب شده و تنش‌زدایی بین ایران و آمریکا را تسهیل می‌کند و با اثرگذاری بلندمدت بر بازار سرمایه موجب بهبود تدریجی شاخص‌های اقتصادی خواهد شد. از این نظر برجام با کمک به ادغام فعالان ایران در نظم منطقه‌ای و جهانی، پتانسیل عظیم مقابله موثر با افراط‌گرایی در خاورمیانه آزاد ساخته و نقش عمده‌ای در بهبود صلح و امنیت جهانی ایفا می‌کند. اما از دید مخالفان، برجام پایه‌های قدرت منطقه‌ای ایران را تضعیف می‌کند و تبعات غیرهسته‌ای آن تعیین‌کننده‌تر از پیامدهای هسته‌ای است. از این دید، برجام وسیله‌ای برای تغییر محیط سیاست داخلی و دگرگون‌سازی معادله قدرت در ایران است. از دید اینان، توافق هسته‌ای مقدمه براندازی جمهوری اسلامی و نه مقدمه پذیرش آن به مثابه قدرت هسته‌ای و افزایش تعامل با ایران و نه به معنای راه یافتن ایران به جامعه بین‌المللی بلکه به معنای راه یافتن آمریکا به درون ایران است. این دوقطبی به ویژه در زمان انتخابات نمود داشته است.

۳- بازی سیاسی پیرامون توافق هسته‌ای به جای رویکرد فنی

یکی دیگر از ضعف‌های فرامتنی توافق هسته‌ای که از سوی جریان‌های حامی دولت نیز گاهی به آن دامن زده شد، تبدیل از یک سند فنی به موضوعی سیاسی است. امروزه محتوای برجام از بعد تکنیکی فراتر رفته، به گونه‌ای که هر اظهارنظری پیرامون و شیوه اجرای آن به مباحثات پردامنه‌ای در داخل می‌انجامد و افراد می‌کوشند میدان بازی سیاسی خود را از رهگذر رویکرد ایجابی یا سلبی به آن طراحی کنند که به نظر می‌رسد در درازمدت ظرفیت قطبی‌سازی سیاسی و ایدئولوژیک شدن فضا را فراهم کرده است. (کریمی‌مله، ۱۳۹۵: ۲۱۹-۲۱۸)

۴- بزرگ‌نمایی دولت پیرامون توافق هسته‌ای

حامیان توافق هسته‌ای در داخل در دوره قبل و بعد از برجام به بزرگ‌نمایی در کارایی این توافق پرداختند. مسئولان دولت به طور کلی همه مشکلات اقتصادی در کشور را از بیکاری

گرفته تا آلودگی آب و هوا را به تحریم‌ها نسبت داده و رئیس‌جمهور نیز در روز اجرایی شدن برجام گفت: «در این روز اعلام می‌دارم تمام تحریم‌های مالی، بانکی، مربوط به حمل و نقل، پتروشیمی و فلزات گرانبها و تمام تحریم‌های اقتصادی به یک باره لغو و نه تعلیق خواهد شد». در حالی که در ضمیمه پنجم برجام آمده است که تحریم‌ها در سه مرحله لغو می‌شوند: بخشی در روز اجرای برجام، بخشی هشت سال بعد از اجرا و بخش دیگر ۱۰ سال بعد از اجرای برجام که آن هم باید به تأیید آژانس برسد.

۵- روند نزولی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در طول مدت اجرای برجام در زمینه جذب سرمایه بعد از برجام نیز آمار جالب نیست و روند نزولی داشته است. در سال ۲۰۱۲ یعنی در زمان اوج تحریم‌ها در دولت دهم میزان سرمایه خارجی در کشور ۴/۶ میلیارد دلار بوده است که این میزان در سال ۲۰۱۳ به ۳ میلیارد دلار کاهش یافته و در ادامه این سیر نزولی در سال ۲۰۱۴ به ۲/۱ میلیارد دلار، در سال ۲۰۱۵ به ۲/۰۵ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۶ یعنی ۹ ماه بعد از برجام به ۱/۰۶ میلیارد دلار رسید.

۶- عدم انتقال مبالغ بلوکه شده دیگر نقطه ضعف سیاست هسته‌ای و به عبارتی توافق ایران و ۵+۱ در مورد پول‌های بلوکه شده ایران در خارج از کشور است. بدین لحاظ طی سال‌های بعد از اجرای برجام نهایت از ادعای ۱۰۰ میلیارد دلار مطرح شده نیز آخرین مقدار آزاد و اعلام شده نهایت ۱۰ میلیارد دلار وارد کشور شد. (اسلامجو، ۱۳۹۷)

۷- تضعیف ابزارهای قدرت ایران برخی معتقدند که برجام نه تنها ظرفیتی برای سیاست خارجی ایران در سطح منطقه فراهم نکرده است، بلکه از بعد فرامتنی هدف اصلی از آن، تضعیف نفوذ منطقه‌ای و سایر ابزارهای قدرت ایران است. در واقع از این نظر، تن دادن به مذاکره در موضوع هسته‌ای می‌تواند مذاکره در سایر موضوعات را نیز به همراه داشته باشد. تقاضاهای مکرر مقامات آمریکا، اروپا و برخی از کشورهای عربی در ارتباط با اضافه شدن اعمال محدودیت برای برنامه‌های موشکی ایران و قدرت منطقه‌ای این کشور در همین راستا قرار دارد. (Kagan, 2021)

نتیجه‌گیری

موضوع هسته‌ای از موضوعات اصلی سیاست خارجی ایران در دو دهه اخیر است که دولت‌های روی کار آمده نیز سیاست مختلفی را در قبال آن در پیش گرفته‌اند. هدف اصلی این پژوهش بررسی سیاست و عملکرد دولت روحانی در موضوع هسته‌ای و توافق هسته‌ای است. سوال اصلی این است که مهم‌ترین انگیزه دولت روحانی از انعقاد برجام چیست و عملکرد این دولت در این

زمینه چگونه ارزیابی می شود؟ موضوع هسته ای دوره های مختلفی را در سیاست خارجی ایران پشت سر گذاشته است. با روی کار آمدن دولت روحانی که با افزایش تنش میان ایران و غرب و افزایش فشارهای ساختاری ناشی از تحریم های بین المللی و مشکلات اقتصادی با موضوع هسته ای همراه بود، این موضوع به یکی از محورهای اصلی رویکرد خارجی ایران تبدیل شد. دولت در این دوره سیاست خارجی خود را بر مبنای اعتدال گرایی به معنی تعادل و توازن بنا نهاد و مهم ترین اصول این رویکرد اعتدالی را تاکید بر تعامل سازنده با دنیا به ویژه در زمینه هسته ای حل موضوع از طریق تعامل و همکاری با جهان، تنش زدایی و اعتمادسازی اعلام کرد. بر همین مبنا دولت انجام مذاکرات پی در پی با کشورهای اروپایی را در دستور کار قرار داد که در نهایت بعد از دو سال در تیر ۱۳۹۴ توافق جامع موسوم به برجام بین ایران و کشورهای ۵+۱ به دست آمد که سازوکار خاص ادامه هسته ای ایران و نیز تحریم های بین المللی علیه این کشور را مشخص می نمود.

توافق بین ایران و این بازیگران از زوایای مختلف قابل بررسی است و عملکرد دولت در این زمینه را نشان می دهد. مهم ترین پیامدهای داخلی توافق هسته ای عبارت بودند از: بهبود روابط دولت- ملت، تمرین ارتقاء کیفیت حکمرانی، افزایش نشاط و امید سیاسی کمک به فرایند امنیتی زدایی بوده است. در عرصه منطقه ای نیز به نظر می رسد این توافق افزایش مشارکت ایران در نظم ژئوپلیتیک منطقه، تغییر منطق موازنه به نفع ایران، غیرامنیتی شدن فضا، انزوای روز افزون اسرائیل، تقویت ثبات و نظم منطقه ای و ... را در پی داشت. در بعد بین المللی نیز تقویت چندجانبه گرایی، تقویت نظام عدم اشاعه هسته ای، جایگزینی دیپلماسی به جای تهدید نظامی، اثبات مشروعیت بین المللی برنامه هسته ای ایران و ... از نتایج این توافق ارزیابی شده است. علاوه بر این موضوعات به نظر می رسد که این توافق با کاستی هایی نیز در ابعاد متنی و فرامتنی همراه بوده است.

مهمترین کاستی های متنی توافق هسته ای را تعهدات ایران روشن و صریح اما تعهدات سایر طرف ها پیچیده و دچار آسیب های جدی، قبول داوطلبانه پروتکل الحاقی قبل از تصویب برجام در مجلس، استثناء شدن ایران از معاهده NPT برای ۱۵ سال، تعهد دولت به اجرای پروتکل از روز اجرای برجام برخلاف مصوبه مجلس، مکانیسم های داوری مندرج در قطعنامه و برجام ضد ایران است، قطعنامه قبلی شورای امنیت تعلیق یا لغو مشروط می شوند نه لغو، عدم ضمانت اجرایی حقوقی و قانونی توافق، عدم وجود مرجعی برای راستی آزمایی انجام تعهدات طرف های مذاکره ایران، تعلیق حداقل ده ساله برای برنامه هسته ای ایران در برجام، تعیین تکلیف درباره ذخایر اورانیم غنی شده ایران، امکان دسترسی به تاسیسات نظامی ایران، حفظ تحریم های

تسلیماتی و موشکی ایران، امکان مانع‌تراشی برای انتقال وجوه حاصل از فروش نفت، حفظ زیرساخت قانونی تحریم‌ها، عدم رعایت اصل تناظر در انجام تعهدات دو طرف، پابرجا بودن تحریم‌های کنگره آمریکا و اتحادیه اروپا و قرار داشتن ایران به عنوان کشوری مستثنی در حقوق، تکالیف و بازرسی هسته‌ای اشاره کرد.

کاستی‌های فرامتنی سیاست هسته‌ای دولت روحانی نیز به نظر می‌رسد مواردی همچون قطبی‌سازی محیط سیاست داخلی، بازی سیاسی پیرامون توافق هسته‌ای به جای رویکرد فنی، بزرگنمایی دولت پیرامون توافق هسته‌ای، روند نزولی جذب سرمایه‌گذاری خارجی در طول مدت اجرای برجام و عدم انتقال مبالغ بلوکه شده نام برد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

کتاب

- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۳)، چرخه گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مخاطب
- طاهریور، جواد (۱۳۹۵)، اثرات برجام بر حوزه پولی و مالی کشورهای، تهران: نهاد ریاست جمهوری
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۸)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: نشر سمت
- کریمی‌مله، علی (۱۳۹۵)، تاملی بر برجام و دستاوردهای سیاست داخلی، در کتاب برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات، تهران: نهاد ریاست جمهوری
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: نشر سمت
- والتز، کنت (۱۳۹۲)، نظریه سیاست بین‌الملل، ترجمه داریوش یوسفی و غلامعلی چگنی‌زاده، تهران: نشر مرکز آموزش و پژوهش‌های بین‌الملل وزارت امور خارجه

مقالات

- امیر نیاکویی، محسن زمانی (۱۳۹۵)، تبیین دیپلماسی هسته‌ای دولت یازدهم با بهره‌گیری از مدل تصمیم‌گیری روزنا، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳
- حسن عابدینی، جهانبخش ایزدی (۱۳۹۶)، نقش متغیرهای داخلی در سیاست‌گذاری مذاکرات هسته‌ای دولت یازدهم، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره هفتم، شماره ۲۵
- خلیلی، رضا (۱۳۹۵)، پیامدهای منطقه‌ای و بین‌المللی برجام؛ رویکردی استراتژیک، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۹، شماره دوم، تابستان
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۹۱)، نظریه نواقع‌گرایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و ششم، شماره اول
- داود منظور، منوچهر مصطفی‌پور (۱۳۹۲)، بازخوانی تحریم‌های ناعادلانه: ویژگی‌ها، اهداف و اقدامات، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، سال یکم، شماره دوم، تابستان
- داود هرمیداس باوند، طاهره میرزایی (۱۳۹۱)، بررسی همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه با تاکید بر دو دولت سیدمحمد خاتمی و محمود احمدی‌نژاد، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره پنجم، شماره ۱۹
- رسولی‌ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۹)، بررسی تغییر در سیاست هسته‌ای دولت یازدهم از منظر فردگرایی تفسیری ۱۳۹۴-۱۳۹۲، فصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۶، شماره اول
- علی‌اکبر جعفری، دیان جانباز (۱۳۹۵)، تنوع گفتمانی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و وجوه دیپلماسی نوین هسته‌ای، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم،

- علی اکبر جعفری، فهیمه رحیمی (۱۳۹۴)، نگاهی تاریخی-تحلیلی به روابط هسته‌ای ایران و آلمان، دوفصلنامه مطالعات تاریخی جهان اسلام، سال سوم، شماره پنجم، بهار و تابستان
- علیرضا رضایی، قاسم ترابی (۱۳۹۲)، سیاست خارجی دولت حسن روحانی، تعامل سازنده در چارچوب دولت توسعه‌گرا، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره پانزدهم
- عباسی، مجید، (۱۳۹۴)، بحران سوریه تبلور نظریه واقع‌گرایی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه رهیافت‌های انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۲
- مهدی ذوالفقاری، حسین زینی‌وند (۱۳۹۷)، جایگاه دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی ایران: دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره هشتم، شماره اول

- مهدی سلطانی و همکاران (۱۳۹۸)، مقایسه گفتمان هسته‌ای حسن روحانی و گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۴۹، زمستان
- مسعود موسوی شفاپی، سعیده اسکندری (۱۳۹۵)، راهبرد موازنه‌گرایی هند در تعامل با ایران و آمریکا، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۰، تابستان
- هادی نوربخش و همکاران (۱۳۹۴)، بکارگیری نظریه بازی‌ها در تحلیل منازعه ایران و آمریکا با محوریت برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۴، شماره ۷۴، بهار

خبرگزاری

- خبرگزاری ایرنا (۱۳۹۲/۱/۱۹)، دستاوردهای هسته‌ای ایران؛ ثمره حمایت و ایستادگی رهبری، دولت و مردم، قابل دریافت در:

<https://www.irna.ir/news/80605515>

- خبرگزاری مشرق (۱۳۹۴/۷/۱۳)، ایرادات ۲۰ گانه برجام با استناد به گزارش کمیسیون برجام، قابل دریافت در:

<https://www.mashregnews.ir/news/477274>

- روحانی، حسن، سخنرانی در جمع راهپیمایان ۲۲ بهمن، ۱۳۹۲/۱۱/۲۲
-، سخنرانی در جلسه هیئت دولت، ۱۳۹۲/۰۹/۱۲
-، سخنرانی در افتتاحیه نهمین کنفرانس اتحادیه مجالس کشورهای عضو سازمان همکاری-های اسلامی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹
-، سخنرانی در دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

سایت

- اسلامجو، علی (۱۳۹۷)، ۹ دلیل بی خاصیتی برجام برای اقتصاد ایران، قابل دریافت در:
<https://www.mashreghnews.ir/news/859809>

- گلدبرگ، ریچارد، (۱۳۹۹)، ایران، آمریکا و سرنوشت برجام، قابل دریافت در:
<https://www.radiofarda.com/a/31095560.html>

- وزارت امور خارجه، (۱۳۹۴)، برنامه جامع اقدام مشترک بین جمهوری اسلامی ایران و کشور-
های ۱+۵ با نماینده عالی اتحادیه اروپایی، قابل دریافت در:
<https://www.mfa.ir/files/mfa>

English Resources

Book

- Berman, Ilan and et al, (2015), **a Nuclear with Iran managing the Consequences**, American Foreign Policy Council

Articles

- Belal, Kulsoom, (2020), **Emerging Politics in Iran: Last year of Rouhani's term and the new conservative parliament**, Policy Perspective, vol 17, issue 1

Site

- Davenport, Kelsey, (2021), **TimeLine of Nuclear Diplomacy with Iran**, arms control association, may, available in: <https://www.armscontrol.org>

- Haltiwanger, John, (2021), **Here's what's in the 2015 nuclear deal with Iran that Trump abandoned and Biden is vying to restore**, available at: <https://www.businessinsider.com>

- Kagan, Fredrick, (2021), **US – Iran return to nuclear deal likely this year**, available at: <https://www.criticalthreats.org>

- Keval, Mehran, (2018), **Pros and Cons of Iran Nuclear deal, Submitted as coursework for Stanford University**, may 15, available at: <http://large.stanford.edu>

- Robins-Early, Nick and Cook, Jessely (2015), **What To Know About The Iran Nuclear Deal**, available at: <https://www.huffpost.com>

- Toivanen, Henrietta, (2016), **the Iran Nuclear deal: a structural realist view**, Columbia Journal of International affairs, april 6, available in: <https://jia.sipa.columbia.edu>